

## فهرست

۳.....	تاجر و اعمال تجاری
۱۳.....	دفاتر تجاری
۱۷.....	اسم تجاری
۱۸.....	دلالی
۲۳.....	حق العمل کاری (کمسیون)
۲۷.....	قرارداد حمل و نقل
۳۱.....	قائم مقام تجاری
۳۴.....	ضمانت
۳۷.....	شرکت های تجاری
۴۲.....	شرکت با مسئولیت محدود
۵۱.....	شرکت تضامنی
۵۹.....	شرکت مختلط غیر سهامی
۶۱.....	شرکت مختلط سهامی
۶۳.....	شرکت نسبی
۶۴.....	شرکت تعاونی
۶۶.....	شرکت سهامی
۷۵.....	سهام
۸۲.....	اوراق قرضه
۸۶.....	اوراق مشارکت
۸۸.....	مجامع عمومی شرکت
۹۷.....	هیئت مدیره
۱۰۹.....	بازرسان
۱۱۱.....	تغییر در سرمایه شرکت
۱۲۰.....	انحلال و تصفیه

۱۲۷.....	حساب‌های مالی شرکت .....
۱۲۹.....	مقررات جزایی .....
۱۳۷ .....	اسناد تجاری .....
۱۴۲.....	برات.....
۱۶۴.....	سفته.....
۱۶۵.....	چک.....
۱۸۱.....	ورشکستگی.....
۲۰۹.....	قرارداد ارفاقی.....
۲۱۳.....	انواع ورشکستگی.....

## تاجر و اعمال تجاری

آشنایی با مبحث: باب اول از قانون تجارت از ماده ۱ تا ۵ به «تجار و معاملات تجاری» اختصاص یافته است. مواد و نکات این قسمت بیشتر در آزمون های دکتری حقوق خصوصی مورد توجه طراحان سوال بوده است.

## ← مواد مرتبط قانون تجارت با این مبحث:

باب اول: تجار و معاملات تجاری
<p><b>ماده ۱ -</b> تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.</p> <p><b>ماده ۲ -</b> معاملات تجاری از قرار ذیل است:</p> <p>(۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.</p> <p>(۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا بهر نحوی که باشد.</p> <p>(۳) هر قسم عملیات دلالتی یا حق العمل کاری (کمیسسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.</p> <p>(۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.</p> <p>(۵) تصدی به عملیات حراجی.</p> <p>(۶) تصدی بهر قسم نمایشگاه های عمومی.</p> <p>(۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی.</p> <p>(۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.</p> <p>(۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری</p> <p>(۱۰) کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.</p> <p><b>ماده ۳ -</b> معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود:</p> <p>(۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.</p> <p>(۲) کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خود می نماید.</p> <p>(۳) کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می نماید.</p> <p>(۴) کلیه معاملات شرکت های تجاری.</p> <p><b>ماده ۴ -</b> معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود.</p> <p><b>ماده ۵ -</b> کلیه معاملات تاجر تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.</p>

نکته ۱: به موجب ماده ۱ قانون تجارت: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد».

(۱) منظور از امور تجارتي؛ اموری است که قانون‌گذار آنها را ذاتاً تجاری می‌داند؛ بنابراین باید گفت که ملاک تاجر بودن شخص، انجام‌دادن اعمال تجاری مندرج در ماده ۲ است. به همین دلیل اشتغال به سایر فعالیت‌هایی که در این ماده ذکر نشده است ولو آنکه سودآور هم باشد، فعالیت تجارتي محسوب نشده و انجام‌دهنده آن نیز تاجر نخواهد بود.

(۲) تجارت شغل مستقلى است؛ بنابراین شخص تاجر باید اعمال تجاری ذاتی را برای خودش انجام دهد؛ بنابراین اگر کسی به نام و حساب دیگری عمل تجاری انجام دهد، آن عمل، آمر را تاجر می‌کند و نه انجام‌دهنده آن را. به همین دلیل خدمه تجارت‌خانه، مدیران شرکت‌های تجاری و قائم‌مقام تجارتي تاجر محسوب نمی‌شوند. مگر اینکه این افراد فعالیت مندرج در ماده ۲ را به صورت مستقل برای خود انجام دهند که در این صورت تاجر محسوب می‌شوند.

(۳) شغل یعنی فعالیت برای امرارمعاش؛ بنابراین برای آنکه فعالیت‌های مندرج در ماده ۲ به انجام‌دهنده آن وصف تاجر بدهد، باید شغل معمولی آنها باشد و تکرار اعمال مزبور به تنهایی کافی نیست.

(۴) لازم نیست که شخص برای تاجر تلقی شدن، صرفاً به کارهای تجارتي بپردازد، بلکه اگر در کنار اشتغال به تجارت به کار غیرتجاری دیگری نیز مشغول باشد، بازهم تاجر تلقی می‌شود.

(۵) در صورتی که شخص به موجب قانون از انجام‌دادن اعمال تجاری ممنوع باشد یا اینکه عمل تجاری را به صورت پنهانی انجام دهد، بازهم تاجر تلقی می‌شود. به عبارتی دیگر اصولاً وجود مانع قانونی در انجام اعمال تجاری، تأثیری در تاجر شناخته شدن انجام‌دهنده آن عمل ندارد.

◀ به موجب بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی، در نظام حقوقی ایران فعالیت تجاری همواره برای همه آزاد است، با این حال قانون‌گذار برای بعضی اشخاص به دلایل خاصی در اشتغال به تجارت محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی برقرار کرده است که از جمله می‌توان به ممنوعیت سردفتران اسناد رسمی<sup>۲</sup> و قضات<sup>۳</sup> اشاره کرد.

◀ کارمندان دولت به طور کلی از انجام‌دادن امور تجارتي ممنوع نیستند؛ اما در بعضی از قوانین انجام‌دادن بعضی از امور تجارتي برای کارمندان ممنوع شده است. از جمله شغل حق‌العمل‌کاری در گمرک که کسانی می‌توانند به آن اشتغال ورزند که کارمند دولت نباشند.<sup>۴</sup>

(۶) اگر اشخاص صغیر و محجوری که اهلیت قانونی برای تجارت ندارند، اگر هم تجارت کنند، تاجر شناخته نمی‌شود و در نتیجه مشمول مقررات ورشکستگی نیز نخواهند بود (نظر دکتر ستوده تهرانی). در این صورت حتی اولیای قانونی این اشخاص نیز نمی‌توانند از طرف آنها با اموال آنها معامله تجاری انجام دهند و در صورت انجام این امر، بازهم محجور تاجر تلقی نمی‌شود. زیرا شرط تاجر بودن آن است که سود حاصل از عمل تجاری، عاید خود تاجر شود که در اینجا اگر سودی حاصل شود متعلق به محجور است و نه اولیای قانونی وی.

از این پس در صورتی که ماده ای از قانون تجارت قید گردد، صرفاً شماره آن ماده بیان می‌شود مگر اینکه منظور ماده ای از قانون دیگر باشد که در این صورت قانون مربوطه در ادامه شماره ماده قید می‌گردد.

<sup>۲</sup> ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴

<sup>۳</sup> بند ۲ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰.

<sup>۴</sup> بند ۵ ماده ۳۷۶ آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی.

۷) در صورتی که تاجر دچار حجر شود، معاملات تجاری جدید از طرف نماینده قانونی وی صحیح نیست و نماینده قانونی محجور باید به اداره اموال اکتفا نماید مگر آنکه محجور از طرف خود و قبل از حدوث حجر قائم مقام تجارتی تعیین نموده باشد که در اینجا با توجه به ماده ۴۰۰ می توان گفت که قائم مقام مزبور می تواند امور تجارتخانه را اداره نماید. زیرا تجارت مستلزم این است که شخص به حساب خود عمل کند، در حالی که نماینده قانونی محجور به حساب خود عمل نمی کند. پس در این حالت اگر هم نماینده در عمل تجارتخانه محجور را اداره کند، نه محجور را می توان تاجر تلقی کرد نه نماینده او را. در این حالت تجارتخانه یا باید به فروش برسد یا به اجاره واگذار شود و یا به عنوان آورده به شرکتی تجارتی منتقل شود و محجور به عنوان شرکت در شرکت تجارتی سهمی گردد.

◀ جهت مشاهده حکم محجوریت شریک یا شرکای ضامن در شرکت های تضامنی و مختلط غیر سهامی به مواد ۱۴۰ و ۱۶۱ مراجعه کنید.

۸) در مورد آزادی اشتغال به تجارت، بین اتباع ایران و اتباع بیگانه مقیم ایران تفاوتی وجود ندارد؛ اما اتباع بیگانه برای آنکه بتوانند در ایران به تجارت مشغول شوند باید پروانه کسب تحصیل کنند. با این حال در بعضی از قوانین و تصویب نامه ها بر اصل آزادی تجارت برای خارجیانی استثنای وارد شده است که مهمترین آنها عبارتند از:

❖ صدور پروانه دلالی که مختص اتباع ایرانی است.<sup>۵</sup>

❖ حمل و نقل بازرگانی مسافر و بار و محمولات پستی یا یکی از آنها از یک نقطه کشور به یک نقطه دیگر آن که منحصر به هواپیمای ایرانی است.<sup>۶</sup>

❖ دریافت پروانه حق العمل کاری در گمرک که مختص اتباع ایرانی است.<sup>۷</sup>

◀ به بازرگانان خارجی مقیم ایران به شرط رعایت معامله متقابل نسبت به بازرگانان ایرانی مقیم هر یک از کشورهای خارجه کارت بازرگانی داده خواهد شد.<sup>۸</sup>

۹) انجام بعضی از فعالیت های تجاری منوط به اخذ مجوز از سوی دولت است؛ مانند دلالی، نمایش فیلم، آژانس های مسافرتی، حمل و نقل هوایی، تأسیس انبارهای عمومی.

◀ این مجوزها جنبه شخصی دارند؛ و فقط به شخص تاجر داده می شوند. در نتیجه چنانچه تاجر بخواهد محل تجارت خود را به دیگری واگذار کند، ادامه فعالیت او به وسیله شخص اخیر موکول به کسب اجازه مجدد از مقام صلاحیت دار است.

**نکته ۲:** اشخاص حقوقی نیز می توانند تاجر باشند. در این صورت شرکت های تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود، مختلط سهامی و غیر سهامی در صورتی تاجر محسوب می شوند که موضوع فعالیت آنها امور تجاری موضوع ماده ۲ باشد؛ اما شرکت های سهامی عام و خاص در هر حال تاجر محسوب می شوند ولو اینکه موضوع فعالیت ایشان امور بازرگانی نباشد.

۱) شرکت های تعاونی در صورتی که موضوع فعالیت آنها یکی از امور تجاری موضوع ماده ۲ باشد، شرکت تجارتی محسوب می شوند و در غیر این صورت غیر تاجر هستند.

<sup>۵</sup> ماده ۲ قانون دلان مصوب ۱۳۱۷

<sup>۶</sup> ماده ۹ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸.

<sup>۷</sup> بند ۲ ماده ۳۷۷ آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱.

<sup>۸</sup> ماده ۸ اصلاحی قانون تشویق صادرات و تولید مصوب ۱۳۵۸.

۲) موسسات غیرانتفاعی تاجر محسوب نمی‌شوند. زیرا موضوع فعالیت آنها امور تجاری نیست، خواه هدف از تأسیس آنها کسب منفعت باشد یا نباشد. اما با اینکه این موسسات تاجر محسوب نمی‌شوند، مطابق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، نمی‌توانند دادخواست اعسار تقدیم کنند و در صورتی که نتوانند دیون خود را پرداخت کنند باید دادخواست ورشکستگی بدهند.

در صورتی که موسسات غیرانتفاعی، عملیات ذاتاً تجاری انجام دهند، تاجر محسوب می‌شوند و نمی‌توانند به‌صرف اینکه نام موسسه غیرانتفاعی را انتخاب کرده‌اند از شمول مقررات قانون تجارت بگریزند.

اینکه شخص حقوقی ایجاد شده با نام انجمن ثبت شده است یا نه موثر در تاجر بودن یا نبودن آن نیست و باید ماهیت حقوقی او را با توجه به اساسنامه آن معین کرد؛ بنابراین ملاک مهم برای تشخیص تاجر بودن، فعالیت شخص حقوقی است که در مورد انجمن باید جنبه معنوی داشته باشد، مانند فعالیت‌های ورزشی و هنری. هرگاه پرداختن به این‌گونه فعالیت‌ها مستلزم انجام دادن معاملات تجاری باشد، این معاملات که فرع بر فعالیت‌های معنوی و مدنی انجمن است، انجمن را تاجر نمی‌کند.

۳) دولت و تشکیلات و موسسه‌های دولتی، به‌صورت شرکت تشکیل نمی‌شوند و علی‌رغم آنکه به فعالیت‌هایی چون ساخت اسلحه یا کشتی‌های جنگی یا توزیع سیگار و خدمات پست می‌پردازند؛ از آنجا که برای سود بردن به این امور نمی‌پردازند، بلکه ناشی از وظایفی است که در اداره مملکت به عهده دارند، تاجر محسوب نمی‌شود.

۴) به‌موجب ماده ۳۰۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۸ می‌توان گفت که شرکت‌های دولتی تا آنجا که در اساسنامه آنها قید نشده باشد، شکل شرکت‌های سهامی را دارند؛ بنابراین به استناد ماده ۲ همین لایحه، بازرگانی تلقی می‌شوند.

شرکت دولتی شرکتی است که تمام یا دست‌کم بیش از ۵۰ درصد از سرمایه آن متعلق به دولت باشد.

**نکته ۳: اعمال تجاری ذاتی یا مطلق:** ماده ۲ در مقام بیان این اعمال مقرر می‌دارد: «معاملات تجاری از قرار ذیل است:

۱) خرید یا تحویل هر نوع مال منقول به‌قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

۳) هر قسم عملیات دلالتی یا حق‌العمل‌کاری (کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

۵) تصدی به عملیات حراجی.

۶) تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.

۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری.

۱۰) کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها».

عملیات تجاری ذاتی یا مطلق، عملیاتی هستند که در گردش ثروت دخالت دارند.

در واقع شخص برای اینکه تاجر محسوب شود لازم است یکی از این اعمال را انجام دهد:

۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره خواه در آن تصرفی شده باشد یا نشده باشد (عملیات تجاری توزیعی).

◀ مفهوم خرید روشن است ولی منظور از تحصیل کلیه طرق به دست آوردن مال است. مثل حیازت مباحات. مواردی مثل صلح و معاوضه نیز تحصیل محسوب است.

◀ صرف خرید یا تحصیل مال منقول کافی نیست، بلکه لازم است شخص هنگام خرید یا تحصیل دارای قصد فروش یا اجاره باشد. اگر حین خرید قصد فروش نداشته باشد هر چند بعداً به دلایلی حاضر به فروش شود این عمل تجاری محسوب نمی‌شود.

◀ وقتی تاجری مال منقولی را به قصد فروش یا اجاره خریداری می‌کند، عمل خرید او ذاتاً تجاری است، اما وقتی آن مال را می‌فروشد یا اجاره می‌دهد این اعمال ذاتاً تجاری نیستند و صرفاً عمل تجاری تبعی هستند به این اعتبار که تاجر آن را انجام داده است.

◀ صرف خرید به قصد فروش یا اجاره برای تجاری تلقی شدن کفایت می‌کند هر چند که بعداً به دلایلی موفق به فروش یا اجاره نشود.

◀ تحصیل مال به واسطه ارث یا وصیت مشمول این بند نیست.

◀ دکتر اسکینی معتقدند که صرفاً مال منقول مادی مشمول این بند است و مال منقول غیرمادی مشمول این بند نیست.

◀ پذیره نویسی و خرید و فروش اوراق قرضه عمل تجاری نمی‌باشد (ماده ۵۴ ل.ا.ق.ت).<sup>۹</sup>

◀ اعمال تولیدی مثل کشاورزی و استخراج و بهره‌برداری از معادن زمانی که توسط خود بهره‌بردار یا کشاورز به فروش می‌رسد عمل تجاری محسوب نمی‌شود، اما اگر شخصی محصول کشاورزی را به قصد فروش بخرد و یا سنگی که از معدن استخراج می‌شود را به قصد فروش بخرد، شخص تاجر محسوب می‌شود.

◀ در برخی از موارد شخصی مال منقولی را به قصد فروش می‌خرد و قصد فروش آن را هم دارد، اما پس از آن تصرفاتی بر روی آن انجام می‌دهد. اگر اعمالی که بر روی آن اموال انجام می‌شود بیشتر دارای جنبه هنری و مرتبط با فعل خود شخص باشد، این شخص تاجر محسوب نمی‌شود؛ مثل خیاطی که خود پارچه را می‌خرد و آن را می‌دوزد و سپس می‌فروشد که تاجر محسوب نمی‌شود. به همین دلیل کسی که چوب را می‌خرد و آن را تبدیل به صنایع چوبی می‌کند و کسی که چرم را می‌خرد تا پس از کار بروی آن کفش یا کیف بدوزد و بفروشد تاجر محسوب نمی‌شود. با این حال شخصی که طلا ساز است و طلا را به صورت آب طلا و مواد اولیه تبدیل به حلقه یا سرویس می‌کند چون عرف بین مواد اولیه و محصول تولید شده تفاوت آن چنانی قائل نیست این کار تجاری محسوب می‌شود.

❖ از مفهوم مخالف بند «۱» ماده ۲ استنباط می‌شود تحصیل یا خرید مال غیرمنقول به قصد فروش عمل تجاری نیست. با این حال استثنایی که بر این اصل وارد می‌گردد معاملات غیرمنقول شرکت‌هایی است که به منظور ساخت و فروش آپارتمان ایجاد شده‌اند.

<sup>۹</sup> مخفف لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.

- ۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب و هوا به هر نحوی که باشد (عملیات تجاری خدماتی).
- ◀ اگر یک راننده صاحب وسیله نقلیه نباشد، عنوان کارگر را دارد و اگر خودش صاحب وسیله نقلیه نبوده و صرفاً راننده آن باشد و به صورت انفرادی کار نماید بیشتر مشمول تعریف پیشه‌ور است و نه تاجر. باین حال اگر فردی صاحب بنگاه حمل و نقل باشد و یک ماشین نیز از خود داشته باشد و خود راننده‌اش باشد، عنوان تاجر به او صدق می‌کند.
- ۳) هر قسم عملیاتی دلالی، یا حق العمل کاری و یا عاملی و یا تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور انجام می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات (عملیات تجاری خدمات واسطه‌ای).
- ◀ حق العمل کار و دلال با آنکه در نهایت معامله را برای خود انجام نمی‌دهند تاجر محسوب می‌شوند.
- ◀ چنانچه شخصی دفتری تأسیس کند و وظیفه او پیدا کردن خدمه باشد آن شخص تاجر است. آنچه تجاری است واسطه شدن در معاملات است.
- ◀ منظور از عبارت تأسیساتی که برای انجام برخی از امور ایجاد می‌شوند، می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد مانند موسساتی که به امور تبلیغاتی می‌پردازند، دفاتر خدمات هوایی و دفاتر فروش بلیت و غیره، همگی تاجر محسوب می‌شوند.
- ◀ با آنکه خرید به قصد فروش اموال غیرمنقول تجاری نیست ولی بنگاه‌هایی که کار آن‌ها تسهیل معاملات مربوط به اموال غیرمنقول است تاجر محسوب می‌شوند. «دلالی معاملات اموال غیرمنقول».
- ◀ منظور از عامل کسی است که با نام و حساب دیگری معامله می‌کند، دقیقاً مانند وکیل. تفاوت عامل با حق العمل کار در آن است که حق العمل کار به نام خودش ولی به حساب دیگری عمل می‌کند در حالی که عامل به نام و حساب دیگری معامله می‌نماید. با توجه به اینکه احکام عاملی در قانون تعیین نشده است تابع مقررات عمومی وکالت خواهد بود.
- ◀ تسهیل هر امری مشمول بند ۳ ماده ۲ نمی‌شود؛ مانند وکلای دادگستری یا مشاوران فنی که کارشان نیازمند داشتن دانش و تخصص خاصی است.
- ۴) تأسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر آن که برای رفع حوائج شخصی نباشد (عملیات تجاری تولیدی).
- ◀ کارخانه به تأسیساتی گفته می‌شود که در آن مواد اولیه تغییر شکل یافته و به صورت کالای ساخته شده برای فروش درآید.
- ◀ منظور قانون‌گذار از عمل تجاری همین عمل تبدیل شیئی به شیئی دیگر در کارخانه است نه نفس ایجاد و راه‌اندازی کارخانه، خواه موادی که تغییر می‌یابد متعلق به صاحب کارخانه باشد و خواه به او تعلق نداشته باشد.
- ◀ هرچند پیشه‌ور نیز شیئی را به شیئی دیگر تبدیل می‌کند و ممکن است این کار را در کارگاه انجام دهد و مانند صاحب کارخانه، یک یا چند کارگر هم داشته باشد؛ ولی عمل تجاری نیست.
- ۵) تصدی به اعمال حراجی (عملیات تجاری خدماتی).
- ◀ در تفاوت حراجی با مزایده باید گفت که در بحث مزایده یک قیمت پایه توسط کارشناس تعیین می‌شود و همه افراد شرکت‌کننده در مزایده باید قیمت اعلامی خود را بالاتر از آن حداقل اعلام کنند و



آن که بالاترین قیمت را اعلام کرد برنده مزایده است. اما در بحث حراج قیمت پایه تعیین نمی‌شود و آن که بالاترین قیمت را بدهد برنده است.

تصدی به عملیات حراجی زمانی مصداق دارد که اموال عرضه شده برای فروش به متصدی حراجی تعلق نداشته باشد و گرنه عمل کسی که مالی را به قصد فروش می‌خرد به موجب بند یک ماده ۲ تجارتی است.

#### ۶) تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی (عملیات تجاری خدماتی).

در نمایشگاه عمومی کالایی مورد توزیع قرار نمی‌گیرد بلکه ذوق و هنر در معرض استفاده عموم قرار داده می‌شود. اگر هنرمندی شخصاً آثار خود را به معرض نمایش قرار دهد نمی‌توان او را تاجر محسوب نمود. ولی اگر دسته‌ای از هنرمندان با یکدیگر نمایشگاهی را اداره نمایند و منافع را بین خود تقسیم کنند، عمل آنها مشمول حقوق تجارت خواهد بود.

تصدی به امور نمایشگاه باید مستمر و برای جلب نفع باشد و گرنه نمایشگاهی که به طور اتفاقی و برای امور خیریه تشکیل می‌شود جنبه تجارتی ندارد.

کسی به عنوان تصدی به نمایشگاه تاجر محسوب می‌شود که مدیریت نمایشگاه را بر عهده دارد، نه کسانی که آثار یا اموال خود را در نمایشگاه ارائه می‌کنند.

#### ۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی (عملیات تجاری خدمات مالی).

منظور از صرافی تبدیل پول است به پول دیگر.

هر قسم عملیات بانکی عملیات تجاری است. بازکردن حساب بانکی قرض‌الحسنه یا جاری برای اشخاص، سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، اعطای وام، پذیرفتن امانت در صندوق امانات بانک و صدور ضمانت‌نامه‌های بانکی از مصادیق عملیات بانکی هستند. با اینکه این امور از امور مدنی است اگر توسط بانک‌ها انجام شود، عملیات تجاری تبعی محسوب است. زیرا به تبع اینکه بانک‌ها انجام می‌دهند عمل تجاری محسوب می‌شوند.

دقت شود در این موارد کسی که حساب باز کرده تاجر نیست بلکه بانک که این‌گونه عملیات را انجام می‌دهد تاجر است.

تشخیص عملیات بانکی با شورای پول و اعتبار است.

صندوق‌های قرض‌الحسنه را نمی‌توان بانک تلقی کرد. این موسسات تنها در دو فرض تاجر شناخته می‌شوند:

۱) اداره آنها به صورت شرکت سهامی باشد.

۲) موسسه (صندوق) به معاملات مذکور در ماده ۲ بپردازد.

کسانی که در بورس به خرید یا فروش سهام شرکت‌های سهامی می‌پردازند از آنجا که الزاماً باید به وسیله کارگزاران بورس در معاملات شرکت کنند، عمل تجاری انجام نمی‌دهند، بلکه با این کار دارایی خصوصی خود را اداره می‌کنند. اما اگر همین عمل توسط تاجر برای امور تجارتی یا شرکت تجارتی صورت پذیرد، معامله تجارتی تبعی است.

اگر کارگزار بورس به نام خود ولی به حساب اشخاص دیگر دادوستد کند عمل او مانند حق‌العمل‌کاری است و تجارتی محسوب می‌گردد. ولی هرگاه کارگزار به نام و حساب خود معامله کند، عمل او تجارتی نیست زیرا معامله سهم یک شرکت عمل تجارتی محسوب نمی‌شود.

۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد (معاملات برواتی).

معاملات برواتی از اعمال تجاری است ولی کسی که به صورت غیر حرفه‌ای به این اعمال می‌پردازد تاجر محسوب نمی‌شود و تنها کسانی که شغل خود را به صورت حرفه‌ای معاملات برواتی قرار دهند برای مثال تنزیل برات، تاجر محسوب می‌شود.

منظور از معاملات برواتی معامله‌ای است که طی آن براتی صادر می‌شود یا ضمانت می‌شود یا ظهرنویسی می‌شود. به همین دلیل صدور و ضمانت و ظهرنویسی برات و قبولی برات معامله ذاتاً تجاری است. در معامله برواتی تفاوتی ندارد طرفین برات تاجر باشند یا نباشند در هر حال تجاری ذاتی محسوب می‌شوند.

معاملات برواتی اصولاً شامل برات و سفته می‌شود و به موجب ماده ۳۱۴ تنها صدور چک عمل تجاری محسوب نمی‌شود.

۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری (عملیات تجاری خدمات مالی).

هر کسی که شرکت بیمه دارد تاجر است، خواه دولتی باشد و خواه غیردولتی.

بیمه اموال غیرمنقول نیز عملیات تجاری ذاتی است.

۱۰) کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی و خارجی و معاملات راجع به آنها (معاملات دریایی).

قایق و لنج مشمول این بند نیستند.

تمام معاملات مرتبط با کشتی تجاری هستند چه در قالب بیع یا اجاره باشد یا در قالب رهن و صلح و غیره.

تمام قراردادهای مربوط به حمل و نقل کشتی اعم از حمل اشخاص یا کالا واجد وصف تجاری هستند.

خرید و یا اجاره کشتی همواره ذاتاً تجاری است ولو آن که به قصد فروش یا اجاره نباشد.

کشتیرانی وقتی تجاری است که مبتنی بر قصد انتفاع، یعنی در حوزه عمل تجارت دریایی باشد؛ بدین ترتیب کشتیرانی نظامی عمل تجاری محسوب نمی‌شود. باین حال خصیصه مشتری و نیز هدف او از حمل و نقل محموله کشتی در تجارتی بودن عمل حمل و نقل با کشتی تأثیری ندارد؛ بنابراین هرگاه دولت به منظور رساندن ملزومات به جبهه جنگی از کشتی‌های تجارتی استفاده کند، قرارداد حمل و نقل برای متصدی حمل و نقل عمل تجارتی است.

نکته ۴: برای تحقق تجاری بودن عملیاتی که به وسیله موسسات انجام می‌گیرد باید دو شرط وجود داشته باشد:

۱) برای انجام عمل، بنگاه یا دفتر کار وجود داشته باشد.

۲) آن عمل در قالب آن بنگاه یا دفتر کاری باید تکرار شود.

اقسام این نوع از عملیات عبارت است از:

❖ تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا یا به هر نحوی که باشد.

❖ تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود. از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات.

❖ تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه، مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

<sup>۱۰</sup> پولی که از مبلغ برات یا سفته پیش از سررسید کسر می‌کنند.

❖ تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.

❖ تصدی به عملیات حراجی.

**نکته ۵: اعمال تجاری تبعی:** به موجب ماده ۳: «معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می‌شود:

۱- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها.

۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجاری خود می‌نماید.

۳- کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می‌نماید.

۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری».

◀ اعمال تجاری تبعی به اعمالی گفته می‌شود که ذاتاً غیرتجاری است ولی به جهت آنکه به وسیله تاجر انجام می‌گیرد، تجارتي تلقی می‌شود.

(۱) زمانی که طرفین معامله تاجر هستند موضوع معامله آن‌ها هرچه که باشد معامله تجاری محسوب می‌شود حال اگر موضوع معامله بین آنها یکی از مصادیق ده‌گانه ماده ۲ باشد که ذاتاً تجاری است و اگر سایر موضوعات باشد تجاری تبعی است.

(۲) تفاوت بند «۱ و ۲» ماده ۳ در آن است که زمانی که بین دو تاجر معامله می‌شود حتی اگر برای رفع حوائج شخصی هم باشد معامله تجاری تبعی است اما رابطه بین تاجر با غیر تاجر زمانی تجاری تبعی است که موضوع معامله برای رفع حوائج تجاری باشد. برای مثال صدور سفته و چک اگر بین دو تاجر باشد به هر دلیل که صادر شود (خواه رفع حوائج تجاری و خواه رفع حوائج شخصی) معامله تجاری تبعی است در حالی که صدور چک و سفته از تاجر به غیر تاجر تنها در صورتی تجاری تبعی است که برای رفع حوائج تجاری باشد.

(۳) کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي خود تاجر انجام می‌دهند به شرط این که برای رفع حوائج تجاری باشد، تجاری تبعی است.

(۴) تمام اعمال شرکت‌های تجاری جنبه تجاری تبعی دارد، به جز اعمالی که ذاتاً مدنی است و به هیچ وجه تجاری نمی‌شود، چه انجام‌دهنده آنها تاجر باشد چه غیر تاجر، چه شخص حقوقی باشد، چه شخص حقیقی مانند معاملات غیرمنقول.

(۵) در بند ۱ زمانی کلیه معاملات تجارتي است که دو طرف قرارداد تاجر باشند اما در بند ۴ که موضوع معاملات شرکت‌های تجارتي را معرفی می‌کند در هر حال معاملات تجارتي تبعی هستند خواه طرف قرارداد آن‌ها تاجر باشد و خواه غیر تاجر باشند.

(۶) در بند ۲ معامله تاجر با غیر تاجر زمانی تجارتي محسوب است که برای رفع حوائج تجاری باشد اما در بند ۴ معامله شرکت‌های تجارتي با غیر تاجر حتی اگر برای رفع حوائج شخصی باشد تجارتي تبعی محسوب می‌شود.

**نکته ۶:** به موجب ماده ۴: «معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌شود».

(۱) هر چند که معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌گردد ولی دلالتی این نوع معاملات یا حق‌العمل‌کاری در معاملات غیرمنقول عمل تجاری محسوب می‌شود.

(۲) تنها استثنایی که به موجب ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳ بر غیرتجاری بودن معاملات غیرمنقول وجود دارد، معاملات غیرمنقول شرکت‌هایی است که به منظور ساخت و فروش آپارتمان ایجاد

شده‌اند. البته باید بیان شود که اشخاص حقیقی ای که موضوع این ماده را انجام می‌دهند، همچنان غیر تاجر محسوب می‌گردند.

◀ معاملات مندرج در ماده ۵ قانون مذکور ذاتاً تجاری هستند نه به تبع تاجر بودن شرکت‌های تجاری که برای انجام‌دادن آنها تشکیل می‌شود.

۳) در حقوق ایران، خرید زمین یا ساختمان موجود برای ایجاد ساختمان جدید عمل تجاری تلقی می‌شود؛ درحالی‌که خرید ساختمان موجود به‌منظور فروش، عمل تجاری محسوب نمی‌شود، حتی اگر شخص حقوقی شرکت سهامی باشد که می‌تواند برای امور غیر تجاری هم تشکیل شود. در واقع اگرچه شرکت سهامی می‌تواند برای امور غیر تجاری نیز تشکیل شود (ماده ۲ ل.ا.ق.ت)، معاملات غیرمنقول این شرکت‌ها تجاری محسوب نمی‌شود، مگر آنکه شرکت برای انجام‌دادن امور مندرج در ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها ایجاد شده باشد.

نکته ۷: اصل بر آن است که «کلیه معاملات تجار تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست» (ماده ۵).

## دفاتر تجاری

**آشنایی با مبحث:** باب دوم قانون تجارت از ماده ۶ تا ۱۹ به «دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری» اختصاص یافته است. فصل اول این باب با عنوان «دفاتر تجاری» و فصل دوم آن «دفتر ثبت تجاری» است. تا به الان در آزمون های وکالت و دکتری تنها یک سوال و آن هم در آزمون وکالت سال ۱۳۹۳ از قسمت دفاتر تجاری طرح شده است ولی در تمایز بین کسبه جزء و تاجر بارها در آزمون های دکتری حقوق خصوصی سوالاتی طرح شده است به همین دلیل باید تفاوت کسبه جزء با تاجر را مدنظر قرار دهید.

## ← مواد مرتبط قانون تجارت با این مبحث:

باب دوم - دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری
<p><b>فصل اول - دفاتر تجاری</b></p> <p><b>ماده ۶-</b> هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:</p> <p>۱- دفتر روزنامه.                  ۲- دفتر کل.                  ۳- دفتر دارایی.                  ۴- دفتر کپیه.</p> <p><b>ماده ۷-</b> دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و دادوستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و جوهری را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.</p> <p><b>ماده ۸-</b> دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.</p> <p><b>ماده ۹-</b> دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را بریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.</p> <p><b>ماده ۱۰-</b> دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.</p> <p>تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب های وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.</p> <p><b>ماده ۱۱-</b> دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضا خواهد شد. برای دفتر کپیه امضای مزبور لازم نیست ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد.</p> <p>حق امضا از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.</p> <p><b>ماده ۱۲-</b> دفتری که برای امضا به متصدی امضا تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضا مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح باسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضا و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه می نماید منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.</p>

**ماده ۱۳** - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاه دارد.

**ماده ۱۴** - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود بکار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر - در امور تجاری - سندیت خواهد داشت و غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

**ماده ۱۵** - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی‌العموم می‌تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

### فصل دوم - دفتر ثبت تجاری

**ماده ۱۶** - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به‌استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

**ماده ۱۷** - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظام‌نامه معین خواهد کرد.

**ماده ۱۸** - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم می‌شود.

**ماده ۱۹** - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظام‌نامه وزارت عدلیه تشخیص می‌شوند.

**نکته ۸: دفاتر تجاری:** مطابق ماده ۶: «هر تاجری به‌استثنای کسبه جز موظف است چهار دفتر داشته باشد:

۱. دفتر روزنامه.

۲. دفتر کل.

۳. دفتر دارایی.

۴. دفتر کپیه».

سه دفتر روزنامه، دفتر کل و دفتر دارایی «به‌جز کپیه» باید توسط نماینده اداره ثبت امضا شود. دفتر کپیه نیازی به این امضا ندارد ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد، «صفحه شماری» (ماده ۱۱).

۱) الزامات حرفه‌ای تاجر به دو دلیل حفظ حقوق اشخاص ثالث و تسهیل کنترل فعالیت تاجر به‌وسیله مقامات رسمی ایجاد گردیده است. در حال حاضر مطابق قانون تجارت دو امر بر عهده تاجر گذاشته شده است: ۱- حفظ دفاتر تجاری ۲- ثبت نام خود در دفتر ثبت تجاری.

۲) ثبت اسم تجاری اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه (قوه قضائیه) ثبت آن را الزامی کند.

۳) کسبه جزء اگرچه تاجرنند اما به‌موجب ماده ۶ و ۱۶ قانون تجارت از انجام الزامات حرفه‌ای تاجر معاف هستند.

◀ مطابق ماده واحده (مصوب ۱۴۰۰/۰۶/۰۳) اصلاحیه نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت: «افراد حقیقی داخل در طبقات ذیل به استثنای صاحبان مشاغل موضوع بند (الف) ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۸ از مصادیق کسبه جزء محسوب و از داشتن دفتر تجارتي معاف خواهند بود:

۱- کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها که فروش سالیانه آنان از چهار میلیارد ریال تجاوز نمی‌کند.

۲- ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که عایدی غیر خالص آنها متجاوز از دو میلیارد ریال نباشد».

۴) دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه‌روزه مطالبات و دیون و دادوستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبیل خریدوفروش و ظهرنویسی) و به‌طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتي خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند در آن دفتر ثبت نماید (ماده ۷).

۵) دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک‌مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند (ماده ۸).

◀ دفتر کل؛ دفتر دسته‌بندی انواع معاملات تاجر است. به عبارت دیگر این دفتر، دفتر انواع حساب‌ها است.

۶) دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده و در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کار باید تا ۱۵ فروردین سال بعد انجام پذیرد (ماده ۹).

◀ دفتر دارایی؛ صورت وضعیت مالی سال گذشته هر تاجر است.

◀ دفتر دارایی در عمل مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و تاجر معمولاً به‌جای آن از ترازنامه استفاده می‌کنند. همچنین با توجه به مواد ۹۵ و ۱۰۶ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۱، داشتن دفتر دارایی برای تشخیص میزان مالیات‌بردرآمد مودی لازم نیست و صرف داشتن دفاتر کل و روزنامه کافی است.

◀ ترازنامه عبارت است از خلاصه نتایج حساب‌های دفتر کل یا دفتر دارایی به شکل جدولی که به صورت ارقام باقی‌مانده حساب‌های مختلف موسسه را در پایان سال نشان می‌دهد.

۷) دفتر کپییه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید (ماده ۱۰).

◀ دفترهای روزنامه، کل و دارایی؛ دفاتر حساب موسسه تجاری است و دفتر کپییه دفتر ضبط مکاتبات و مراسلات آن است.

◀ دفتر کپییه دیگر مورد استفاده نیست و موسسات به‌جای آن از دفتری به نام دفتر اندیکاتور (نامه‌نما) استفاده می‌کنند.

۸) هر تاجری موظف است کلیه دفاتر خود را از ختم هر سال حداقل تا ۱۰ سال نگاه دارد (ماده ۱۳).

◀ در این مدت اگر دعوی‌ای پیش آید تاجری که نتواند دفاتر خود را ارائه دهد مانند این است که دفتر نداشته باشد. بعد از گذشتن مدت ۱۰ سال فرض بر این است که تاجر دفاتر خود را در مدت مذکور نگاه داشته است. در این حالت اگر تاجر مایل باشد می‌تواند دفاتر خود را ارائه دهد ولی اگر دفاتر را ارائه ندهد طرف دعوا که استناد به دفاتر کرده است، باید ثابت کند که دفاتر تاجر موجود هستند والا عدم ارائه آنها زبانی متوجه تاجر نخواهد کرد؛ بنابراین دفاتری که تاجر برای امور تجارتي خود به کار می‌برند حتی پس از گذشت مدت ۱۰ سال در صورت اثبات وجود یا ارائه آنها در هر زمان قابلیت استناد دارند

◀ وظیفه نگهداری دفاتر تجاری برای تشخیص میزان مالیات به درآمد با توجه به ماده ۱۵۷ قانون مالیات‌های مستقیم و تعیین مرور زمان مالیاتی، پنج سال است.

۹) ضمانت اجرای نداشتن دفاتر مندرج در ماده ۶ فقط جزای نقدی است (ماده ۱۵).

◀ ضمانت اجرای عدم امضای دفاتر تجاری از ناحیه نماینده اداره ثبت، جزای نقدی است (ماده ۱۵).

◀ نداشتن دفتر تجاری و عدم امضای دفتر از ناحیه نماینده اداره ثبت در هیچ صورتی موجب ورشکستگی تاجر نمی‌شود؛ زیرا مطابق ماده ۴۱۲ تنها دلیل ورشکستگی تاجر توقف در تأدیه دیون است. اما باید توجه داشت که اگر تاجر متوقف در تأدیه دیون خود باشد و دفاتر تجاری نداشته باشد و یا دفاتر تجاری او ناقص و یا بدون ترتیب باشد مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلب نشده باشد، از یک طرف تاجر ممکن است به موجب ماده ۵۴۲ به مجازات ورشکسته به تقصیر و از طرف دیگر با توجه به ماده ۱۵ به جزای نقدی محکوم گردد. همچنین لازم به ذکر است که محکومیت به جزای نقدی موضوع ماده ۱۵ مانع از اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

**نکته ۹:** دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود به کار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد، بین تجار، در امور تجاری، سندیت خواهد داشت. در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود (ماده ۱۴).

۱) مطابق این ماده برای آنکه دفتر تجاری سند محسوب گردد سه شرط لازم است:

۱. دفاتر مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشد: یعنی باید اولاً مطابق قانون پلمب شده، دوم، به ترتیبی که در قانون پیش‌بینی شده نوشته شده باشند و سوم مشمول موارد مندرج در ماده ۱۲۹۹ قانون مدنی<sup>۱۱</sup> نگردد.

◀ مطابق ماده ۱۳۰۰ قانون مدنی چنانچه دفتر تجاری مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم نشده باشد، فقط سندیت و اعتبار او بر له صاحب دفتر از بین می‌رود ولی دفتر مزبور اگر مخدوش هم باشد علیه صاحب آن اعتبار دارد.

۲. دعوا بین تاجر باشد: بنابراین دفاتر تجاری له و علیه تاجر بین تاجر سندیت دارند، زیرا دفاتر تجاری سند یک طرفی است که از طرف تاجر تنظیم می‌شود. به هر حال دفتر تاجر علیه خود تاجر سندیت دارد زیرا مندرجات آن به منزله اقرار تاجر است (ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی). البته در صورت استناد غیر تاجر به دفاتر تجاری، مدعی نمی‌تواند مندرجات دفتر را تفکیک نموده و آنچه به نفع اوست را قبول و آنچه به ضرر اوست را رد کند (ماده ۱۲۹۸ ق.م). در صورتی که غیر تاجر قسمتی از مندرجات دفتر را قبول نداشته باشد به شرطی می‌تواند آن را رد کند که به دلایل دیگر بتواند کذب مندرجات مذکور را که به نفع او نیست ثابت نماید.

۳. دعوا مربوط به امور تجاری باشد.

❖ در صورت تحقق این سه شرط دفاتر تجاری دلیل محسوب می‌گردند.

۲) هرگاه در دعوی بین دو تاجر راجع به امور تجاری بین مندرجات دفاتر آنها تعارض وجود داشته باشد، قاضی مندرجات هر دو دفتر را نادیده می‌گیرد و به دلایل دیگر مدعی رسیدگی می‌نماید.

<sup>۱۱</sup> مطابق این ماده: «دفتر تجاری در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی‌شود:

۱- در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

۲- وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳- وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد».



۳) دفاتر تجارتي اسناد عادي محسوب مي‌شوند.

**نکته ۱۰:** ثبت‌نام تاجر در دفتر ثبت تجارتي، در نطاقي که قوه قضائيه مقتضي بداند و دفتر ثبت تجارتي تاسيس کند براي کليه اشخاصي که در آن نقاط به شغل تجارتي اشتغال دارند اعم از ايراني و خارجي به‌استثناي کسبه جزء از الزامات حرفه‌اي تاجر محسوب مي‌گردد (ماده ۱۶).

**نکته ۱۱:** دفتر ثبت تجارتي دفتري است براي ثبت‌نام تاجر اعم از ايراني يا خارجي به استثنا کسبه جزء. عدم ثبت‌نام تاجر در اين دفتر جزاي نقدي دارد.

ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتي دليل بر تاجر بودن تاجر نيست همان‌طور که عدم ثبت‌نام تجاري دليلي بر تاجر نبودن نيست.

ثبت‌نام تجاري الزامي است و اين مفهوم با ثبت اسم تجاري متفاوت است.

### اسم تجارتي

**آشنائي با مبحث:** باب چهاردم قانون تجارت از ماده ۵۷۶ تا ۵۸۲ به «اسم تجارتي» اختصاص يافته است. از اين مبحث تنها يك بار و آن هم در آزمون وکالت سال ۱۳۹۳ سوال طراحي شده است.

### ← مواد مرتبط قانون تجارت با اين مبحث:

باب چهاردهم - اسم تجارتي
<b>ماده ۵۷۶ -</b> ثبت اسم تجارتي اختياري است مگر در مواردی که وزارت عدليه ثبت آن را الزامي کند.
<b>ماده ۵۷۷ -</b> صاحب تجارخانه که شريك در تجارخانه ندارد نمی‌تواند اسمی برای تجارخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شريك باشد.
<b>ماده ۵۷۸ -</b> اسم تجارتي ثبت شده را هيچ شخص ديگري در همان محل نمی‌تواند اسم تجارتي خود قرار دهد ولو اينکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او يکی باشد.
<b>ماده ۵۷۹ -</b> اسم تجارتي قابل انتقال است.
<b>ماده ۵۸۰ -</b> مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنج سال است.
<b>ماده ۵۸۱ -</b> در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامي شده در موعده مقرر ثبت به عمل نياید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق‌الثبت مأخوذ خواهد داشت.
<b>ماده ۵۸۲ -</b> وزارت عدليه به‌موجب نظام‌نامه ترتيب ثبت اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوطه به اسم تجارتي را معين خواهد کرد.

**نکته ۱۲:** ثبت اسم تجارتي اختياري است مگر در مواردی که وزارت دادگستري لازم بداند اسم تجارتي در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت می‌شود.

اسم تجارتي براي دارنده آن حق اولويت ايجاد می‌کند و هيچ شخصي نمی‌تواند در همان محل اين اسم را انتخاب کند. دقت شود اسم تجارتي تا زماني که به ثبت نرسیده رسميت نداشته و اولويت ايجاد نمی‌کند. حق بر اسم تجارتي مانند ساير حقوق مالي قابل انتقال است.

مدت اعتبار اسم تجارتي ۵ سال است.

در مواردی که ثبت اسم تجاري الزامي است اداره ثبت خود اقدام به ثبت نموده و سه برابر حق ثبت می‌گیرد.

## دلالی

آشنایی با مبحث: باب ششم یعنی مواد ۳۳۵ تا ۳۵۶ از قانون تجارت به بحث دلالی اختصاص یافته است. طراحان سوال در آزمون های حقوقی به این مبحث نگاه ویژه ای دارند و به همین دلیل در اکثر آزمون ها سوالاتی از این بحث طراحی شده است.

← مواد مرتبط قانون تجارت با این مبحث:

باب ششم - دلالی
<p><b>فصل اول: کلیات</b></p> <p><b>ماده ۳۳۵ -</b> دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.</p> <p><b>ماده ۳۳۶ -</b> دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.</p> <p><b>ماده ۳۳۷ -</b> دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می باشد.</p> <p><b>ماده ۳۳۸ -</b> دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.</p> <p><b>ماده ۳۳۹ -</b> دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است.</p> <p><b>ماده ۳۴۰ -</b> در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.</p> <p><b>ماده ۳۴۱ -</b> دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته های مختلف دلالی کند ولی در اینصورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.</p> <p><b>ماده ۳۴۲ -</b> هرگاه معامله به توسط دلال واقع و نوشته جات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او ردوبدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاها و نوشته جات و اسناد مزبور است.</p> <p><b>ماده ۳۴۳ -</b> دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست.</p> <p><b>ماده ۳۴۴ -</b> دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.</p> <p><b>ماده ۳۴۵ -</b> هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.</p> <p><b>ماده ۳۴۶ -</b> در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.</p> <p><b>ماده ۳۴۷ -</b> در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.</p> <p><b>فصل دوم - اجرت دلال و مخارج</b></p> <p><b>ماده ۳۴۸ -</b> دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.</p>

**ماده ۳۴۹** - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتهی محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت‌درامانت خواهد شد.

**ماده ۳۵۰** - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

**ماده ۳۵۱** - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می‌کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتهی محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.

**ماده ۳۵۲** - در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از خیارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی‌شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

**ماده ۳۵۳** - دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

**ماده ۳۵۴** - حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

**ماده ۳۵۵** - حق الزحمه دلال به واسطه قرارداد مخصوصی باید معین شده باشد والا محکمه با رجوع به اهل خبره و رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و نوع معامله حق الزحمه را معین خواهد کرد.

**فصل سوم - دفتر**

**ماده ۳۵۶** - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

- (۱) اسم متعاملین.
- (۲) مالی که موضوع معامله است.
- (۳) نوع معامله.
- (۴) شرایط معامله با تشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا به وعده است.
- (۵) عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا به وعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتی که برات باشد به رؤیت است یا به وعده.
- (۶) امضای طرفین معامله مطابق مقررات نظام‌نامه وزارت عدلیه.

دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجارتهی است.

**نکته ۱۳:** مطابق ماده ۳۳۵: «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند...».

(۱) اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است؛ بنابراین عقدی جایز است. دلال و حق‌العمل‌کار در موارد سکوت قانون تجارت تابع مقررات راجع به وکالت هستند.

(۲) دلالی عمل تجاری محسوب می‌شود و دلال تاجر است.

(۳) دلالی سه نوع است:

❖ دلالی برای معاملات ملکی که مرجع صدور مجوز آن اداره کل ثبت اسناد و املاک است.

❖ دلالی برای معاملات تجارتهی که مرجع صدور مجوز آن وزارت امور اقتصاد و دارایی است.

❖ دلالی برای خواروبار و سایر امور شهری.

(۴) شخص می‌تواند در رشته‌های مختلف به دلالی بپردازد، منوط به اینکه برای هر یک از آنها پروانه دلالی دریافت کند.

(۵) پروانه دلالی صرفاً به اشخاصی اعطا می شود که تابعیت ایران را داشته باشند.  
 (۶) تصدی به هر نوع دلالی منوط به داشتن پروانه است. با این حال اگر شخصی بدون داشتن پروانه مبادرت به دلالی نماید بازهم مستحق اجرت خواهد بود.  
 ◀ ضمانت اجرای دلالی بدون پروانه، محکومیت به حبس و پرداخت غرامت خواهد بود (ماده ۹ قانون دلالان).

(۷) مطابق ماده ۳ قانون مذکور کسی که می خواهد تصدی به دلالی نماید، برای جبران خساراتی که ممکن است قانوناً از عملیات او متوجه اصحاب معامله شود باید یکی از این موارد را تأمین دهد: ۱- پرداخت وجه الضمان ۲- دادن وثیقه غیرمنقول و یا سهام ۳- ضمانت یکی از تجار معتبر یا بانک.  
 ◀ نسبت به هریک از تأمین های فوق، کسانی که از جهت مداخله دلال به عنوان دلالی در امور مربوط به آنان بستانکار شده اند، بر سایر بستانکاران دلالی رجحان خواهند داشت (ماده ۴ قانون مذکور).  
 (۸) مطابق ماده ۳۳۶ دلال علاوه بر شغل دلالی شخصاً نیز می تواند تجارت کند.  
**نکته ۱۴: تکالیف دلال:**

(۱) دلال باید در نهایت صحت و صداقت طرفین معامله را از جزئیات معامله آگاه کند ولو آنکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد.

(۲) دلال حق ندارد ثمن معامله را دریافت کند و یا تعهدات یکی از طرفین را بدون اجازه آنها اجرا کند؛ بنابراین دلالی که بدون اذن خریدار از طرف او ثمن را پرداخت کند، پرداخت صحیح است، اما چون پرداخت بدون اذن بود، مستنداً به ماده ۲۶۷ ق.م.نخواهد توانست آن وجه را مسترد کند. همچنین اگر طرف معامله کالایی را خریداری نماید و ثمن آن را به دلال بدهد بری نمی شود و در مقابل امر مسئول پرداخت است مگر اینکه امر به دلال اجازه قبض عوض داده باشد.

(۳) دلال مسئول تمام اسناد و اشیایی است که در ضمن معامله به او سپرده شده است مگر آن که ثابت کند که ضایع با تلف شدن مربوط به شخص او نبوده است؛ بنابراین تعهد دلال برای حفظ اشیا و اسناد سپرده شده به او تعهد به نتیجه است. گفتیم که مقررات راجع به دلالی تابع وکالت است مگر در جایی که استثناء شود. اولین استثناء همین جا است. ید وکیل امانی است و چنانچه مالی در تصرف او از بین رود مسئولیتی ندارد مگر اینکه موکل ثابت کند که وکیل تعدی یا تفریط نموده است، درحالی که حکم ماده ۳۳۹ بالعکس است و گفته اگر اسناد و اشیا در ید امانی (دلال) تلف شود، اصولاً وی مسئول است.  
 ◀ ید دلال ضمانتی نیست، ید او امانی است اما تعهد او به استرداد مال تعهد به نتیجه است.

(۴) اگر فروش از روی نمونه باشد دلال باید تا خاتمه معامله نمونه را نزد خود نگه دارد.  
 (۵) دلال می تواند در زمان واحد برای چند امر در یک رشته یا رشته های مختلف دلالی کند مشروط بر آنکه آمرین را از این ترتیب آگاه کند.

(۶) دلال نه ضامن اعتبار اشخاصی است که برای آنها دلالی می کند و نه مسئول اجرای تعهدات ناشی از قرارداد است. دلال مانند وکیل مسئول اجرای تعهد آمر نیست، همچنین اعتبار آمر را نیز تضمین نمی کند.

(۷) دلال مسئول ارزش مال التجاره یا جنس آن نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیری از سوی او انجام شده است.

(۸) در موارد زیر دلال متضامناً مسئول اجرای تعهد است:

اگر دلال در نفس معامله ذی نفع یا سهیم باشد، دو حالت کلی متصور است: